

## کورگان های سکایی

دکتر بهمن فیروزمندی، احمد نیک گفتار

استادیار گروه باستان شناسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه تهران، کارشناس ارشد باستان شناسی دانشگاه تهران

### چکیده

سکاها یکی از اقوام بزرگ بیابانگرد بودند که به دلیل شغل دامداری از سرزمینی به سرزمین دیگر در حال کوچ بودند منشا اولیه آنها خیلی روشن نیست، ولی با توجه به اشارات نویسندگان سکاها تا قرن هشتم قبل از میلاد در جنوب روسیه و کوبان کاملاً مستقر شده بودند مهمترین آثار معماری سکاها که تا کنون باقی مانده است و بیانگر هنر سکاهاست، به ما در شناخت اوضاع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و جهان بینی آنها کمک شایان می کند، گور تپه یا کورگان های آنهاست. گور تپه های سکایی چه از لحاظ روش ساخت و چه از نظر شیوه تدفین و قرار گرفتن اشیا در کنار فرد متوفی بازتابی از مذهب و عقاید سکاها می باشد. در این مقاله سعی شده با توجه به منابع تاریخی و بیشتر با توصیف یافته های سکایی از قبیل گورتپه ها و اشیای قرار گرفته در داخل آنها به شناختی روشن تر از مذهب و اعتقادات سکایی دست یافت.

**واژگان کلیدی:** سکاها، مصریان، گورتپه، پاپوئوس، پازیریک.

تاریخ پذیرش: ۸۷/۵/۱۵

تاریخ دریافت: ۸۷/۲/۵

E-mail: ahmad.nikgoftar@gmail.com

**مقدمه**

لازمه بازسازی زندگی انسان گذشته دارا بودن اطلاعاتی همه جانبه درمورد ابعاد گوناگون زندگی بشر است. زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی انسان دارای نشانه هایی است که در مصنوعات مادی انعکاس می یابد. مطالعه و بررسی نحوه معماری، شیوه تدفین و اشیا به جا مانده هرکدام می تواند به تکمیل اطلاعات ما به منظور بازسازی زندگی گذشتگان یاری رساند. در این میان، آثار بجا مانده از نحوه تدفین از منابع مهم باستان شناسی برای شناخت ابعاد زندگی انسان گذشته به شمار می رود. مطالعه چگونگی تدفین یک اجتماع انسانی به روشن ساختن عقاید و باورهای دینی کمک می کند

نگرش متفاوت به موضوع مرگ از ادوار پیش از تاریخ تاکنون، باعث رعایت الگوهای متفاوتی در نحوه تدفین اجساد شده است. تنوع در کیفیت و کمیت اشیایی که به همراه جسد به خاک سپرده می شد، حالت سر، بدن، دستان و پاهای جسد و نحوه معماری و تزئینات گور نشان دهنده گوناگونی نظام های اعتقادی، سازمان های اجتماعی و سیاسی و روابط اقتصادی در فرهنگ های مختلف می باشد. (فیروزمندی و لباغ خانیکی، ۱۳۸۵: ۷۰)

علاوه بر این، الگوهای تدفین برای مطالعه تمایزات قومی، روابط خویشاوندی و الگوهای استقرار نیز می تواند مورد استفاده قرار گیرند. در میان اقوام و جوامع باستانی گوناگون، اقوام سکایی، توجه زیادی به مساله تدفین داشتند و علی رغم آنکه به دلیل شیوه معیشت چادر نشینی، معماری مسکونی نا چیزی از آنها باقی مانده، هنر معماری آنها در بنای کورگان های ایشان تجلی یافته است. جنبه های گوناگون تدفین سکاهای، اعم از آیین ها و مراسم مرتبط با تدفین و چگونگی ساخت معماري آرامگاه های سکایی توجه بسیاری از باستان شناسان را به خود جلب کرده است. در این مقاله سعی شده به معرفی کورگان های سکایی و شیوه تدفین و اعتقادات آنها پرداخته شود.

**وجه تسمیه و خاستگاه سکاهای :**

در مورد ریشه شناسی نام «سکا»، نظریات متفاوتی ارائه شده است. عده ای نام «سکا» را واژه ای عام می دانند که به کوچندگان یا کسانی که یکجانشین نبوده اند، اطلاق می شده است. عقیده گروه دیگر بر آن است تا این نام را به «کمانداران» ربط دهد، چندان منطقی به نظر

نمی رسد (لوکوک، ۱۳۸۰: ۱۵۳) ولی پرفسور بیلی می گوید که این کلمه به معنای (مردان) است و از ریشه سک (sak) به مفهوم (نیرومند بودن) آمده است. (فرای، ۱۳۶۸: ۲۷۱؛ بهزادی، ۱۳۸۲: ۴۰)

یونانیان قوم سکا را به نام «اسکوتوئی» (Skuthoi) می شناسند، آشوریان در سالنامه های خود، به نام «اشکوازی»<sup>۱</sup> و هندیان به نام «ساکا» و «چاکا» می خواندند. (گروسه، ۱۳۷۹: ۳۳) از سکاهای در کتیبه های فارسی باستان دوران هخامنشی به نام سکاهای «تیزخود» (Tigrakuda)، سکاهای «آن سوی دریا» (Tyiai Taradaraya) و سکاهای «هومنوش» (Haumavarka) یاد شده است. (مرادی غیاث آبادی، ۱۳۸۰: ۱۷۹)

بسیاری از دانشمندان یونان باستان به اشتباه سکاهای را کهنترین نژاد جهان دانسته اند و تروکوس پومپتیوس، مورخ قرن اول پیش از میلاد تاکید کرده است که سکاهای همیشه در نظر همگان، به جزمصریان از کهنترین نژاد جهان به شمار می رفتند. در این مورد حق با مصریان بود؛ زیرا این برخلاف مطالبی بود که در باره اصل و منشأ خود نگاشته اند. سکاهای مدت ها قبل از سده هشتم پیش از میلاد، موجودیت ملی قابل تشخیصی نداشتند و بنابراین نمی توانستند. از لحاظ قدمت نژادی با مصریان به رقابت بپردازند. (تالبوت رایس، ۱۳۷۰: ۱۱)

سکاهای به طور اخص در واقع قوم عمده ای از یک گروه عظیم بیابانگرد بودند که طوایفشان را نمی توان با اشارات نویسندگان پیشین از یکدیگر تشخیص داد. سکاهای تا قرن هفتم پیش از میلاد در جنوب روسیه و کوبان کاملاً مستقر شده بودند و طوایف مشابه و احتمالاً حتی قابل وابسته، اگر چه از لحاظ سیاسی به کلی مستقل ولی از یکدیگر متمایز بودند. (دورانت، ۱۳۶۵: ۳۲۶-۳۲۷)

به هر حال گسترش سکاهای چه با میل و چه تحت فشار دارای مسیرهای مشخص و حساب شده ای نبود. آنها در هزاره سوم قبل از میلاد در تعارض با شاخه های ایرانی و هند و آریایی به سوی شمال دریای کاسپی و حوزه سیحون گسترش یافتند در طول هزاره دوم پیش از میلاد در آسیای مرکزی و شمال افغانستان با شاخه های ایرانی در نبرد بودند و در اروپای جنوبی برای طوایف غربی هند و اروپایی مشکلاتی فراهم آوردند. نفوذ و گسترش آنان به سوی شرق باعث

<sup>۱</sup> - Ashkuazi

شد که منابع چینی از مردمان تازه ای در اوایل هزاره اول قبل از میلاد از مرز چین خبر دهند و آنان را مردمانی با موی سرخ و چشمان سبز معرفی کرده اند. (قریشی، ۱۳۸۰: ۱۲۴-۱۲۳)

با وجود اشارات مورخان و باستان شناسان، محدوده دقیقی را برای قلمرو آنها نمی توان تعیین کرد. این گروه عظیم بیابانگرد، چادر نشینانی بودند که عمدتاً در کمربند استپی شمال دنیای قدیم زندگی می کردند. مرزهای جنوبی زیستگاه این اقوام به سلسله جبال «نان شان»<sup>۲</sup> و «تین شان»<sup>۳</sup> در شمال غرب چین کنونی، حاشیه شمالی فلات ایران، قفقاز و سواحل دریای سیاه می رسید. این قلمرو از جنوب شرق به «منچوری»<sup>۴</sup>، از جنوب به «تبت»<sup>۵</sup> و منطقه شمال شرقی ایران و ماوراءالنهر، از جنوب غرب به رودخانه دانوب و بلغارستان و از طریق میخارستان به «بهمیا»<sup>۶</sup> (جمهوری چک کنونی) و باگذر از لهستان تا «لوساتیا»<sup>۷</sup> (-) واقع در جنوب غرب لهستان و شمال شرق چک) گسترده می شد. (Minns 1942:6-7) بسیاری از نویسندگان یونانی از این بیابانگردان کوچ رو به عنوان «سیتی ها» نام برده اند و ایرانی ها به تمام کوچ روهای اوراسیا که شامل سیتی ها هم می شود، «سکاها» اطلاق می کنند. این طبقه بندی وسیع از آنجا ناشی می شود که بین همه کوچ روهایی که به زبان های ایرانی تکلم می کردند، از جهات نحوه معیشت و فرهنگ شباهت های نزدیکی وجود داشته است. (آبتکوف و یوسوپوف، ۱۳۷۵: ۲)

هرودوت که تقریباً کل کتاب چهارم خود را به سکاها اختصاص داده، در مورد خاستگاه سکایان چنین نقل می کند:

«روزگاری سکاها بیابان گرد در آسیا می زیستند و باماسازت ها همواره در نبرد و منازعه به سر می بردند. به همین خاطر ناچار به ترک خانه و کاشانه خویش گشته، از رودخانه آراکس\* گذشته و وارد سرزمین کیمری ها شدند ... کیمری ها\* را تار و مار کردند و سرزمین متروکه ایشان را مالک گشتند.» (Herodotus. 1949:291)

<sup>۲</sup>- Nan Shan  
<sup>۳</sup>- Tien Shan  
<sup>۴</sup>- Manchuria  
<sup>۵</sup>- Tibet  
<sup>۶</sup>- Bohemia  
<sup>۷</sup>- Lusatia

\* - به نظر می رسد منظور هرودوت رودخانه ولگا بوده است.

\* - نام کیمری ها هنوز هم تحت عنوان کریمه برای سرزمین اطلاق می شود.

سکاها در تعقیب گروهی از کیمیری ها در حدود سال ۶۳۰ ق.م. به قفقاز رسیدند و پس از سرکوب کامل کیمیری ها در سال ۶۲۸ ق.م. موفق شدند حکومت ماد را در ایران به زیر کشند. ولی تسخیر ماد طولی نکشید و ماد ها به رهبری هوخستره، سیت ها را قلع و قمع نمودند و مابقی سیت ها از طرف قفقاز به روسیه جنوبی باز گشتند. (گروسه، ۱۳۷۹: ۳۸) به نظر «آبایف» روسیه جنوبی قبل از آن هم موطن سکاهایی بود که از هزاره دوم پیش از میلاد در آن منطقه می زیستند وی با استناد به کشفیات باستان شناسی گریشمن و دیگران به این نتیجه دست یافت. (Abaev 1965:121-124). اما دسته ای از سکاها به اقامت خود در آسیای صغیر ادامه داده و به مدت چند سده مجزا از دیگر سکاها در آنجا باقی ماندند. (بیات، ۱۳۷۰: ۱۲۱) (شکل ۱)

لازم به ذکر است آن دسته از سکاهایی که نام خود را به سرزمین سیستان در جنوب شرق ایران داده اند، دسته ای از سکاها بودند که در سده دوم پیش از میلاد از باکتریا و سرزمین های شمالی جیحون به نواحی «درنگیانای» باستان (که بعدها سیستان نامیده شد) و «آراخوسیا» (که در دوره اسلامی به الرخج معروف شد) کوچیدند. (باسورث، ۱۳۷۰: ۱۴) عده ای از همین گروه سکاها در قرن اول پیش از میلاد با گذشتن از ارتفاعات قره قروم وارد شبه جزیره هند شدند. (پوری، ۱۳۷۵: ۲۴۶)

### نژاد سکاها:

سکاها دارای نژاد سفید هند و اروپایی بودند و به زبان آریاها گفتگو می کردند. (بیات، ۱۳۷۰: ۱۱۹) نژاد سفید سکاها از روی اسکلت های باقی مانده در قبور آنها و نقوش حجاری های سنگی پارس ها و ظروف منقوش یونانی اثبات می شود. دماغ قلمی، چشمان فرورفته و محاسن بلند همراه با سبیل از خصوصیات چهره سکاها بوده است. (همان: ۱۲۵) برخی از محققان، سکاها را جزو طایفه هون و بعضی آنها را ترک و مغول دانسته اند که با خصوصیات چهره های نمایش داده شده از سکاها همخوانی ندارد. «گزا ناجی»<sup>۸</sup> نیز نژاد «اویغوری آلتایی»<sup>۹</sup> برای آنها قایل شده است. (رایس، ۱۳۷۰: ۳۱) زبان ایشان از خانواده زبان سغدی و طخاری بوده که لهجه ای از زبان های ایرانی به شمار می رود. (بیات، ۱۳۷۰: ۱۱۷) (شکل ۲)

<sup>۸</sup>- Geza Nagy  
<sup>۹</sup>- Ugro-Alfain

آغاز تاریخ سکاه‌ها را شاید بتوان ۷۰۰ پیش از میلاد دانست یعنی زمانی که نخستین طوایف هند و اروپایی به «ینی سئی»<sup>۱۰</sup> رسیدند. (رایس، ۱۳۷۰: ۳۰) بین سال‌های ۷۵۰-۷۰۰ ق.م سیت‌ها یا به عبارت بهتر بخشی از قبایل «سیتوساکا» که قسمت اعظم آنها اطراف تین‌شان و حدود فرغانه و کاشغر مانده بودند، از منطقه تورگای واورال به طرف روسیه جنوبی رفتند و کیمری‌ها را بیرون راندند. (گروسه، ۱۳۷۹: ۳۷-۳۶)

### دین سکاه‌ها

سکاه‌ها مظاهر طبیعت را می‌پرستیدند و بزرگترین مراسم دینی را درباره تابیتی - وستا، الهه بزرگ که مظهر آتش و شاید جانوران بود، برپا می‌داشتند. (بهزادی، ۱۳۷۳: ۱۴۵) روستوتسلف کشف کرد که الهه مزبور را در روسیه جنوبی، مدت‌ها پیش از پیدایی سکاه‌ها، در آنجا می‌پرستیدند (همان: ۱۴۵؛ بویس، ۱۳۷۵: ۶۸). و این الهه در میان سکاه‌ها تجسم مادر سالاری نیز بود و این قوم او را نگهبان سیاسی خود می‌دانستند و در آثار هنری سکایی، این الهه را به صورت نیمه زن و نیمه مار و گاهی ایستاده یا نشسته در میان حیوانات مقدس خود، یعنی غراب و سگ، یا گاهی همراه ملازمان یا در حال گفتگو با رئیس قبیله‌ای، نشان می‌دادند. (رایس، ۱۳۷۰: ۸۲)

سکاه‌ها نیز پاپئوس - ژوپیتر خدای هوا، اپیاطوس الهه زمین، اوتوسوری آپلو خدای خورشید و آریم پئسا ونوس آسمانی یا الهه ماه را می‌پرستیدند، گذشته از این، سکاه‌های سلطنتی تهاوماساراس - نپتون خدای آب را می‌پرستیدند. (بهزادی، ۱۳۶۹: ۷۴۸)

طبق گفته هرودوت، سکاه‌ها در امور دینی مشرک بوده و خدایان مختلفی را پرستش می‌کرده‌اند (McGovern 1939: 57) خدای مذکر آن‌ها «پاپئوس»<sup>۱۱</sup> نام داشت که شاید از واژه بومی نام پدر اخذ شده باشد. مراسم دینی، توأم با قربانی کردن حیوانات برپا می‌شد و برای جلوگیری از ریخته شدن خون، حیوانات را خفه می‌کردند. علی‌رغم مراسم قربانی، هیچگونه معبد و یا قربانگاهی تا کنون کشف نشده، اما محل قربانی به صورت غریبی در هر ناحیه از محل سکونت سیت‌ها برپا می‌گشته است. این محل به شکل سکوی چهارگوش

<sup>۱۰</sup> - Yenissei

<sup>۱۱</sup> - Papoeus

مرتفعی، از خار بته ها و شاخه ها ساخته می شد و فقط از یک طرف آن راه به بالا باز بوده است. در قسمت فوقانی، شمشیری به طور قائم استوار می ساختند. این شمشیر، سمبل خدای جنگ به شمار می رفته است. در هر سال مراسم متعدد قربانی در آن مذبح خانه ها انجام می گرفته و در آن مراسم از گاو و یا اسب استفاده می شده است. قربانی کردن انسان هم رواج داشته است. (بیات ۱۳۷۰: ۱۳۴-۱۳۳)

### مراسم تدفین سکاها

مراسم تدفین سکاها خیلی پرزحمت و طاقت فرسا صورت می گرفت به نظر می رسد که در آلتای آیین تدفین تنها طی دو فصل از سال یعنی بهار و پاییز برپا می شده است، و بدین ترتیب، با مهاجرت های فصلی طوایفی که به جستجوی علف تازه بر می آمدند همزمان بود. به طور کلی بعضی از سکاها اجساد خود را مومیایی می کردند که نمونه آن در گورهای پازیریک به دست آمده است. (رایس، ۱۳۷۰: ۱۶۳)

هرودوت در بخشی از کتاب چهارم خود مراسم تدفین سکاها را چنین شرح می دهد:

«آرامگاه های پادشاهان آن ها (سکاها) در سرزمین «گرهی» واقع است... پس از مرگ پادشاه، سکاها گوری وسیع به شکل چهار گوش در زمین حفر می کنند. هنگامی که گور آماده شد، شکم جسد برش داده و تخلیه می شود و پس از آن با ماده ای که از برگ درخت سرو، کندر، بذر جعفری و بذر رازیانه ترکیب یافته است پر می شود. سپس شکم جسد دوخته شده و جسد را در داخل موم غوطه ور می سازند. جسد مومیایی شده در داخل ارابه ای قرار گرفته و از میان قبایل گوناگون عبور داده می شود... پس از عبور از میان قبایل، کسانی که وظیفه حمل و نگهداری جسد را بر عهده دار بودند توسط اعضای قبیله میزبان مشایعت می شوند. جسد تارسیدن به «گرهی» همراهی می شود و در آنجا پیکر بی جان پادشاه درون قبر و بر روی تختی قرار می گیرد. نیزه هایی دور تا دور جسد در زمین غرس شده و تیر های چوبی با عبور از بالای جسد، سقفی را بر روی آن ایجاد می کنند. این تیرهای چوبی با شاخ و برگ درخت سرخ بید<sup>۱۲</sup> پوشانیده می شوند. در فضای باز اطراف جسد پادشاه، یکی از همسران وی، که با خفه کردن

<sup>۱۲</sup> - Osier

کشته شده است. و نیز ساقی، ایشپز، پیر آخور، نوکر، پیام رسان، تعدادی اسب و جام‌های طلایی پادشاه به همراه او به خاک سپرده می‌شوند. پس از آن، برفراز گور پادشاه تپه ای عظیم احداث می‌شود. سکاها در ساختن تپه هرچه بزرگتر بر روی گورمهران خود با یکدیگر به رقابت می‌پرداختند پس از گذشت یک سال، پانزده تن از نزدیکان پادشاه، که همه آن‌ها باید از نژاد سکایی باشند، به همراه پانزده رأس از زیباترین اسب‌ها خفه شده، پس از آنکه شکم آنها باکاه پر و دوخته شد، زین و یراق شده و دفن می‌شوند. پانزده جسد مرد جوان نیز بر روی جسد اسب‌ها قرار داده می‌شود...

اما در مورد مردم عادی؛ هنگامی که کسی از عوام درمی‌گذشت، نزدیکترین کسانش او را درارابه ای گذارده و به دیدار دوستانش می‌برند. هرکس که آن‌ها را می‌بیند برای آنها ضیافتی ترتیب می‌دهد. این مراسم تا چهلم ادامه دارد و پس از چهل روز، جسد دفن می‌شود. (Herodotos, 1949: 375-316). و (بهزادی، ۱۳۷۳: ۱۴۷) (شکل ۳)

#### مطالعات باستان‌شناسی در گور تپه‌ها :

بخش اعظم آنچه که ما هم اکنون از مذهب و اعتقادات سکاها می‌دانیم در نتیجه کاوش گورهای سکایی به دست آمده است. روش تدفین و نحوه قرار دادن اشیاء در گورها به ما کمک می‌کند تا بهتر بتوانیم اعتقادات و مذهب سکاها را درک نماییم.

نخستین گام در راه باز شناسی قوم سکا در سده هفدهم برداشته شد و آن در هنگامی بود که دسته‌های غارتگران به کاوش گسترده در گور تپه‌های باستانی در سیبری پرداختند (همان: ۱۲۹) ولی کاوش گورهای سکایی یا «کورگان»‌ها، از قرن ۱۸ م. به دستور تزار پطر کبیر آغاز شد. ماحصل این کاوش‌ها که بر روی گورهای واقع در استپ‌های شمالی دریای سیاه متمرکز می‌شد، مقادیر قابل توجهی آثار فرهنگی مشتمل بر اشیاء برنزی و زرین بود. اما کاوش‌های علمی بر روی محوطه‌های عصر آهن جنوب سیبری و آسیای مرکزی از دهه ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ آغاز گردید. باستان‌شناسان در نقاط مختلفی از استپ‌های شرقی، آثاری یافتند که به سکاها آسیایی تعلق داشت. با گسترش مطالعات باستان‌شناسی بر روی کورگان‌های سکایی، «سکاشناسی» به عنوان گرایشی تخصصی در باستان‌شناسی شوروی سابق مطرح گردید قبل از جنگ جهانی دوم «رائو» (Rau 1927) و «گراکف» (Grakov 1947) پایه بحث‌های نظری



را با تکیه بر مواد فرهنگی بجامانده از دوره سکایی پی ریزی کردند. از این رو این دو دانشمند، پایه گذار مکتب روسی مطالعات چادر نشینان استپ های اوراسیا به شمار می روند. آنها پارامترهایی را برای تحقیق و مطالعه داده های باستان شناسی معرفی کردند که نه تنها برای طبقه بندی و تاریخ نگاری کاربرد داشت، بلکه برای ترسیم جغرافیای قومی<sup>۱۳</sup> شناسایی خاستگاه اقوام<sup>۱۴</sup> و بازسازی ساختار اجتماعی و سیاسی اقوام<sup>۱۵</sup>. نیز مفید واقع گردید. منابع مکتوب باقی مانده از مورخان عهد باستان امکان ناچیزی را برای پیشبرد چنین مطالعاتی فراهم می آورد، از این رو تاریخ نگاری سکاهای و دیگر چادر نشینان اوراسیا بر اساس داده های باستان شناسی، مورد توجه باستان شناسان روس قرار گرفت. (فیروزمندی و للاف خانیکی، ۱۳۸۶: ۷۰)

### روش احداث گورته ها یا کورگان ها:

نخستین گورهای سکایی هم سطح زمین بودند و در پیرامون آنها سنگ چینی به شکل دایره ساخته می شد اما در حدود ۱۲۰۰ ق.م. این شیوه تدفین تغییر کرد و سکاهای شروع به ساختن تپه هایی بر روی گورها نمودند. (رایس ۱۳۷۰: ۳۰) البته این شیوه تدفین از دوره نوسنگی پایانی و فرا نوسنگی شناسایی شده است. گور تپه هایی متعلق به هزاره سوم و چهارم ق.م در آسیای صغیر، بالکان و اروپای مرکزی کشف شده است که قدیمیترین آنها، گور تپه ای است متعلق به دوره مس (هزاره چهارم ق.م.) در قفقاز پس از آن، چنین شیوه تدفینی به همه قاره ها (بجز استرالیا) سرایت کرد و در شرق و شمال اروپا و در آسیای مرکزی، تا اواخر قرون وسطی ادامه یافت. (Mongait 1977:7) با توجه به سابقه چند هزار ساله شیوه تدفین گور تپه ای، می توان گفت سکاهای پس از ورود به استپ های اوراسیا، این روش تدفین را از ساکنان بومی فرا گرفته و در ترکیب با اعتقادات و آیین های خویش و شرایط اجتماعی حاکم، شکل جدیدی به آن بخشیده اند. گور تپه های سکایی به نام های «کورگان» و «تومولوس» نیز شناخته می شوند. (پیشین، ۱۳۸۶: ۷۱) (شکل ۴).

<sup>۱۳</sup>- ethno-geography

<sup>۱۴</sup>- ethno-genetic

<sup>۱۵</sup>- ethno-political

مطالعات باستان‌شناختی صورت گرفته بر روی کورگان‌های بزرگی همچون «قره اوبا»<sup>۱۶</sup> و «ابلای»<sup>۱۷</sup> واقع در شمال قزاقستان، این امکان را فراهم می‌سازد تا از مراحل ساخت یک کورگان آگاه شویم. بر اساس مطالعات صورت گرفته، ابتدا محل مناسب برای دفن انتخاب می‌شد. این محل می‌بایست در نزدیکی یک مرتع نزدیک به آب و در زمینی مرتفع و استپی فاقد درخت، واقع می‌بود. مکان گورته توسط یک خندق کم عمق و عریض احاطه می‌شد و در منطقه محصور، مراسم تدفین صورت می‌گرفت. اجرای مراسم تدفین را می‌توان در تغییر ماهیت خاک و وجود بقایای مواد ارگانیکی همچون علف یا شاخه‌های بریده شده جستجو کرد. پس از آن، گودال قبر حفر می‌گردید. مقدار زیاد خاکی که از این گودال خارج می‌شد در اطراف آن پخش می‌گردید و مقدار کمی از آن در منطقه مشخصی دورتر از محوطه تدفین پراکنده می‌شد. یک خندق دایره شکل با قطری کمتر از خندق اولی دور تا دور گودال قبرکنده می‌شد. بعد از اتمام این مراحل، بخشی از خاک به گودال بازگردانده شده و سطح زمینی که قبر در آن حفر شده بود با بته و خاشاک پوشانیده شده و روی آن با خاک انباشته می‌گردید. بالاترین سطح پشته خاک با خشت پوشیده می‌شد و در نهایت، سطح بیرونی این سازه با گل استخراج شده از خندق پیرامونی اندود می‌گردید. ( Zdanovich et. al. 1984: 46-47 )

### کورگان‌های سکایی :

گورهای سکایی به دو دسته متمایز تقسیم می‌شوند: گورهای ساده متعلق به مردم عادی که با صرف کمترین مصالح و تجهیزات ساخته شده‌اند و گورهای مجلل سران و شاهان سکایی که در بردارنده سازه‌های چوبی بوده و در بنای آنها مهارت زیادی به کار رفته است. این گورها محتوی ظروف سفالی، جنگ افزار و زیورآلاتی بودند که غالباً به سبک حیوانی پرداخته می‌شدند و آشکارا حکایت از تعلق این گورها به افرادی از طبقه بالای جامعه داشتند.

(Gershevitch 1993: 180)

<sup>۱۶</sup> - Kara-oba  
<sup>۱۷</sup> - Oblay

**۱- گورهای ساده:**

این گورها که بیشتر به قشر طبقه پایین مربوط می شود به علت استفاده از مصالح ارزان تا به امروز اثری از آنها باقی نمانده است و نمی توان به خوبی درباره این گورها اظهارنظر یا قضاوت کرد.

**۲- گورهای مجلل یا سلطنتی:**

گورهای سلطنتی یا (گورشاهان) به دلیل پشتوانه مالی و قدرت و نظارت پادشاه از مصالح مقاوم با مهارت خاصی ساخته می شد و تا به امروزه بخش هائی از آن ها باقی مانده است که به شرح شاخص ترین آنها از نظر پلان، سالم بودن و نوع اشیای قرار گرفته خواهیم پرداخت.

گور تپه «ارجان»<sup>۱۸</sup>: یکی از بهترین و قدیمی ترین نمونه گور های قبایل سکایی می باشد که بیانگر اعتقادات و مذهب سکاهای است. این گور در ناحیه کوهستانی «تووا»<sup>۱۹</sup> واقع در روسیه مرکزی و هم مرز با مغولستان قرار دارد. گور پشتهارجان، آرامگاهی یادمانی متعلق به یکی از رهبران یا پادشاهان قبایل سکایی است که به صورت ساختمان سنگی مدور با قطر نزدیک به ۱۲۰ متر ساخته شده است. این گور شامل یک اتاق مرکزی و حدود هفتاد اتاق پیرامونی است که به صورت شعاعی دور تا دور اتاق مرکزی تعبیه شده اند. دربخش مرکزی، رئیس و نزدیکان او دفن شده بودند، در حالی که در اتاق های پیرامونی، نمایندگان رعایای قبایل تابعه و احتمالاً هدایایی که از طرف قبایل دوست اهدا شده بود قرار داشتند. محاسبه شده است که حدود ۱۶۰ اسب به همراه زین و یراق کامل در این کورگان دفن شده بودند. این اسب ها به رنگ های مختلف بوده و بر اساس رنگشان گروه بندی شده و از یکدیگر مجزا شده بودند. ترکیب و جزئیات افسار و یراقشان نیز متفاوت بود. علاوه براین، سیصد اسب نیز در مراسم تدفین به مصرف غذایی رسیده بودند. «م.پ. گریازنوف»<sup>۲۰</sup> که این گور با شکوه را حفاری کرده، معتقد است هدایای قربانی قبایل تحت حاکمیت حاکم دفن شده در این کورگان را می توان مشخص نمود. در ارجان، حتی پس از غارت، تعدادی از اشیای برنزی هنری باقی مانده بود که نشان دهنده مراحل آغازین دوره مشهور به «سبک حیوانی سکایی» می باشند. با توجه به معماری و

<sup>۱۸</sup>- Arjan<sup>۱۹</sup>- Tuva<sup>۲۰</sup>- M.P. Gryaznov

سبک هنری مجموعه ارجان می توان تاریخ آن را قرن نهم یا هشتم ق.م تعیین کرد. (عسکراف و دیگران، ۱۳۷۵:۳۴۴؛ آبتکوف و یوسوپوف، ۱۳۷۵: ۷-۶)

نمونه گوردیگرگورهای پازیریک می باشند که بین قرون ۳ و ۵ قبل از میلاد احداث شده اند. در گورتپه های بزرگتر، که متعلق به اشخاص مهمتری هستند، اطاقک های گورمساتی در حدود ۳۸ متر مربع را اشغال کرده اند. دور این اطاق با دیوارهای مضاعف احاطه شده است. دیوارهای خارجی با کنده های تراشیده درختان ساخته شده، در حالی که سطح دیوارهای داخلی را صاف کرده اند. فضای میان دو دیوار را گاهی خالی گذاشته و گاه با بوته و خاشاک پر نموده اند. کف اتاق را معمولاً صاف می کردند ولی گاهی بر روی آنها شن و ماسه می ریختند. سقف گورهای پازیریک را ابتدا با پوسته های درخت غان و سپس با طبقه ای از ترکه می پوشاندند. دیوارهای اطاقک های گور را با نمد پوشانده و نمدها را با میخ های قالب گیری شده مسین و یا میخ های چوبی برجای خود تثبیت می کردند. (رایس، ۱۳۷۰: ۱۱۰-۱۰۹) (شکل ۱۱) در فرهنگ پازیریک، جسدهای مومیایی خالکوبی شده نیز شناسایی شده است. (شکل ۶) قبل از آن، جسدهای مومیایی شده شاخصه تدفین آلتایی از کاوش هایی به دست آمد که «گریازنوف»<sup>۲۱</sup> در دهه ۱۹۲۰ در «شیبه»<sup>۲۲</sup> واقع در دره رودخانه «اورسول»<sup>۲۳</sup> انجام داد. (Rudenko 1970:279) در یکی از تومولوس های «الیزاویتسکایا»<sup>۲۴</sup> دو ارابه که هر کدام به شش اسب دروردید متصل بود، در راهروی منتهی به اتاق آرامگاه کشف شد. (شکل ۷) خود فضای آرامگاه در واقع بازسازی بوده است از خیمه ای که متوفی در زمان حیات، در آن زندگی می کرده است. خان متوفی و اشخاصی که در بزرگداشت وی قربانی شده بودند، به پوشاک و تزئینات آئینی آراسته شده و به همراه لوازم تدفینی که در ارابه ای قرار داده شده بود و توسط شش اسب کشیده می شد دفن می شدند. خیمه ای بر فراز اجساد برپا می شد که ترکه هایی مزین به زنگوله های فلزی حامل آن بود. چنانچه جسد توسط ارابه به این مکان انتقال می یافت خیمه بر فراز ارابه برپا می شد. (Rostovtzeff 1969: 48-49)

<sup>۲۱</sup> - Gryaznov

<sup>۲۲</sup> - Shibe

<sup>۲۳</sup> - Ursul

<sup>۲۴</sup> - Elizavetinskaya

در سال ۱۸۳۰ در منطقه «کول اوبا»<sup>۲۵</sup> در نزدیکی شهر «کرخ»<sup>۲۶</sup> (شهری در جنوب اوکراین و دروازه ورودی کریمه) گور تپه ای کشف شد که با بررسی سپاختمان و اشیای آن مشخص گردید که متعلق به یکی از پادشاهان سکایی در قرن ۴ پیش از میلاد بوده است. گور تپه کول اوبا نمونه ای است از گور تپه های سپکاهای سلطنتی» منطقه دنیپر سفلی ساختمان این گور را تپه ای تشکیل می دهد که بر روی یک سرداب یا دخمه زیرزمینی احداث شده است. ابعاد این سرداب ۴۱ در ۴/۵ متر بود و ارتفاع آن به پنج متر می رسید. جسد پادشاه مدفون در این آرامگاه، ملبس و پوشش سر وی دارای تزئیناتی زرین بود. این جسد داخل یک تابوت چوبی قرار گرفته بود. بر گردن جسد، طوقی طلایی مزین به آویزهایی قرار داشت و بر بازوی این جسد، یک بازوبند زرین بسته شده بود. در این گور، مجموعه کاملی از جنگ افزار های دفاعی و تهاجمی کشف شد. اشیای تزئینی این گور به سبک هنر سکایی ساخته شده بودند. (فیروزمندی - لباف خانیکی، ۱۳۸۶: ۸۰)

در کنار گور اصلی کول اوبا گور دیگری متعلق به همسر پادشاه یا ملکه کشف گردید. تزئینات زرین لباس آیینی این زن و کاسه سکایی الکتروم، هنر جواهر سازان یونانی را به زیبایی نمایش می دهد. یک خدمتکار یا برده نیز در نزدیکی دیوار جنوبی سرداب دفن شده بود این گور شامل یک آمفورای شراب، دیگچه ای برنزی حاوی گوشت و بشقاب های برنزی و نقره ای بود. (Meliukova 1976:562)

گورهای سکایی ناحیه کوبان نیز از کورگان های غنی و با شکوه سکایی به شمار می روند. یکی از نخستین تدفین های سکایی را در گور تپه شماره یک «کلرمس»<sup>۲۷</sup> شاهد هستیم. قدمت این گور تپه حدوداً به سال های ۶۷۵-۵۵۰ ق.م باز می گردد. تجهیزات نظامی دفن شده به همراه جنگجوی متوفی، شامل جنگ افزارهایی عمدتاً «مادی» و در برخی موارد «اورارتویی» است. که نشان دهنده تأثیرات فرهنگی ایران و آسیای صغیر می باشد. (Gershevitch 1993:170) در بنای گورهای سکایی منطقه کوبان ابتدا گودالی عمیق در خاک بکر کنده می شد و یک تونل شیب دار برای ورود به آن تعبیه می گردید. دیوارهای تونل و گودال با سقفی مخروطی و تونل با سقفی شیروانی شکل پوشیده می شد. سقف گودال یا فضای اصلی آرامگاه

<sup>۲۵</sup> - Kul'-Oba  
<sup>۲۶</sup> - Kerch  
<sup>۲۷</sup> - Kelermess

نیز با حصیر و قالیچه مفروش می گردید و در کل، فضای آرامگاه به شکل یک چادر آراسته می شد. در مرکز این فضا، گودال دیگری برای جایگیری جسد و اشیای تدفینی حفر می شد. مقطع و پلان تومولوس «کاسترومسکایا»<sup>۲۸</sup> به روشنی نشان دهنده سبک معماری کورگان های منطقه کوبان است. غالباً در اطراف فضای مرکزی آرامگاه، زنان و کنیزان پادشاه، که عمدتاً آرایش شده بودند، دفن می شدند. با این وجود، در برخی موارد، مردان بدون آرایش ولی مجهز به جنگ افزار نیز دیده شده است. در پیرامون اتاق اصلی آرامگاه، گاه بیشتر از صد رأس اسب دفن می شد. (Rostovtzeff 1969:47) از این لحاظ، گور تپه «اولسکی»<sup>۲۹</sup> از نظایر خود پیشی می گیرد. نمونه اولسکی که قدیمی تر از همه به نظر می رسد دارای پانزده متر ارتفاع و در بردارنده اسکلت ۴۰۰ اسب بوده است. (Gershevitch 1993:170) اجساد اسب ها در تومولوس اولسکی دور تا دور ستون های گور به صورت شعاعی قرار داده شده بودند. (Rostovtzeff 1969:47)

مشابه تدفین اولسکی را در گور تپه ای واقع در ایران می توان مشاهده کرد. گورتپه «زیویه»<sup>۳۰</sup> که احتمالاً در حدود سال ۶۰۰ ق. م ساخته شده، به خاطر حفاری های غیر مجاز آسیب فراوانی دیده و محتویات آن عمدتاً تخریب و نابود شده است. بر اساس یافته های این گور می توان حدس زد که پادشاه، در یک تابوت دفن شده بود. به همراه شاه، ملکه، چند خدمتکار زن، چند سرباز، یازده رأس اسب و یک ارابه نیز دفن شده بود و به همراه جسد شاه، یک شمشیر طلایی تشریفاتی غلاف دار که با عاج، طلا و نقره ترصیح شده بود، گذشته از این ها کشف شد. علاوه بر این جنگ افزارها، ظروف دیگری پیدا شد که دارای تزیینات زرین و سیمین فوق العاده ای بودند. نظریات متفاوت این گور را منسوب به شاهزاده ای مادی یا مانایی و یا سکایی دانسته اند. اما شباهت های برجسته نحوه تدفین و اشیای تدفینی گور زیویه با گورهای سکایی شمال غرب قفقاز و ناحیه کوبان، فرضیه سکایی بودن شاهزاده زیویه را تقویت می کند. (Gershevitch 1993: 170)

<sup>۲۸</sup> - Kostromskaya  
<sup>۲۹</sup> - Ulski  
<sup>۳۰</sup> - Ziwia

**نتیجه**

در میان اقوام و جوامع باستانی، اقوام سکایی، به مسأله تدفین توجه زیادی داشتند از آنجایی که این اقوام به دلیل زندگی چادرنشینی و کوچ از یک نقطه به نقطه دیگر معماری خاصی نداشتند و تنها اثری هم که از آنها به جای مانده و گویای هنر خود سکاها می باشد کورگان های آنهاست.

بنابراین با مطالعه کورگان های سکایی به این نتیجه می رسیم که در جامعه سکایی به جهان بعد از مرگ اعتقاد خاصی داشتند و یکی از این اعتقادات زندگی جاوید بعد از مرگ می باشد که آنها به این منظور اجساد خود را مومیایی می کردند که نمونه آن در گورهای پازیریک به دست آمده است با توجه به این مطلب شاید بتوان گفت بعد از مصریان، سکایان یکی از اقوامی بودند که در هنر مومیایی تبحر خاصی داشتند و همچنین نحوه ساخت و قراردادن اشیا در کورگان های سکایی بیانگر طبقاتی بودن این قوم می باشد، به همین دلیل کورگان ها به دو شکل ساده و سلطنتی ساخته می شدند و از طرفی با مطالعه اشیای قرار گرفته در این کورگانها در کنار شخص متوفی و تجزیه تحلیل آنها به این مسأله پی می بریم که زندگی آنها مبتنی بر دامپروری و نیمه چادر نشینی بوده است رهیافت دیگر که از ترکیب کیفی اشیای تدفینی این گورها به دست آمده مسأله جنگ و نظام جنگجویی در بین قوم سکاها می باشد که دفن تعداد بیشماری اسب با زین و یراق و وسایل جنگی بیانگر این مسأله است.

## منابع

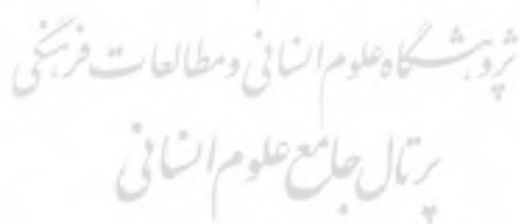
- ۱- آبتکوف، آ. و ه. یوسوپوف (۱۳۷۵) کوچ روه‌های باستانی ایران در غرب آسیای مرکزی، تاریخ تمدن‌های آسیای مرکزی. بخش اول از جلد اول. ترجمه صادق ملک شه‌میرزادی. تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- ۲- باسورث، ادmond کلیفورد (۱۳۷۰) تاریخ سیستان: از آمدن تازیان تا برآمدن دولت صفاریان. ترجمه حسن انوشه. تهران: امیرکبیر.
- ۳- بلنیتسکی، الکساندر (۱۳۶۴) خراسان و ماورالنهر (آسیای میانه). ترجمه پرویز ورجاوند. تهران: نشر گفتار.
- ۴- بهزادی، رقیه (۱۳۷۳) قوم‌های کهن در آسیای مرکزی و فلات ایران. چاپ اول. تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- ۵- بهزادی، رقیه (۱۳۸۲) اریاها و نا اریاها در چشم انداز کهن تاریخ ایران. چاپ اول. تهران: انتشارات طهوری.
- ۶- بهزادی، رقیه (۱۳۶۹) سکاها. مجله چیستا. اسفند ۶۹ و فروردین ۷۰. شماره ۶ و ۷. سال هشتم، (شماره ردیف ۷۶ و ۷۷).
- ۷- بیات، نادر (۱۳۷۰) مهاجران توران زمین: شناخت اقوام صحراگرد آسیای میانه و سرانجام آنها. تهران: نشر ایرانشهر.
- ۸- بویس، مری (۱۳۷۵) هخامنشیان. ترجمه همایون صنعتی زاده. قومس.
- ۹- پوری، ب.ن. (۱۳۷۵) سکاها و هند و پارتی‌ها، تاریخ تمدن‌های آسیای مرکزی. بخش اول از جلد دوم. ترجمه صادق ملک شه‌میرزادی. تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- ۱۰- دوران، ویل (۱۳۶۵) تاریخ تمدن، مشرق زمین گاهواره تمدن. ترجمه احمد آرام و دیگران. تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- ۱۱- رابرتسون، یان (۱۳۷۲) درآمدی بر جامعه: با تأکید بر نظریه‌های کارکردگرایی، ستیز و کنش متقابل نمادی. ترجمه حسین بهروان. مشهد: چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
- ۱۲- رایس، تامارا تالبوت (۱۳۷۰) سکاها. ترجمه رقیه بهزادی. تهران: انتشارات یزدان.



- ۱۳- رضا، عنایت الله (۱۳۸۰) اران: از دوران باستان تا آغاز عهد مغول. تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- ۱۴- فیروزمندی، بهمن و لباف خانیکی، میثم (۱۳۸۵) ساختار اجتماعی جوامع سکایی با نگرش به شیوه های تدفین. مجله علمی پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی. شماره ۲.
- ۱۵- قریشی، امان الله (۱۳۸۰) ایران نامک. تهران: انتشارات هرمس.
- ۱۶- عسکراف، ع. و وولکف و ن. سراوجاف (۱۳۷۵) قبایل شبان و کوچ رو در آغاز هزاره اول ق.م.»، تاریخ تمدن های آسیای مرکزی. بخش دوم از جلد اول. ترجمه صادق ملک شه میرزادی. تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- ۱۷- علیزاده، حسن (۱۳۷۷) فرهنگ خاص علوم سیاسی. تهران: روزنه.
- ۱۸- گروسه، رنه (۱۳۷۹) امپراطوری صحرانوردان. ترجمه عبدالحسین میکده. چاپ چهارم. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۱۹- لوکوک، پی یر (۱۳۸۲) کتیبه های هخامنشی. ترجمه نازیلا خلخالی. تهران: فرزانه.
- ۲۰- مرادی غیاث آبادی، رضا (۱۳۸۰) کتیبه های هخامنشی: خط میخی پارسی باستان. تهران: نوید شیراز.

- 21- Abaev, V.I.(1965) **Slifo-Evropеiskie Izoglossi**, Moskow .
- 22- Gershevitch, I.(ed.)(1993) **The Cambridge History of Iran**, Vol.2:The Median and Achaemenian Periods, Cambridge: Cambridge University Press.
- 23-<http://www.csen.org/Beiram%20Excavation%20Reportfbeiramexcrpt1.html>.
- 24- McGovern, W.M.(1939) **The Early Empires of Central Asia: A Study of the Scythians and the Huns and the Part They Played in World History**, N.C.: The University of North California Press.
- 25-Meliukova, AJ.(1976) **Kul'-Oba**, in Great Soviet Encyclopedia, AM. Prokhorov(ed.), Vo1.13, New York: Macmillan Inc. & London: Collier Macmillan Publishers.
- 26- Minns, E.H. (1942) **The Art of the Northern Nomads**, London: British Academy.
- 27-Mongait,A.(1959) **Archaeology in the U.S.SR.**,Moscow: Foreign Languages Publishing House.
- 28-Mongait (1977) **Barrow**, in Great Soviet Encyclopedia, AM.

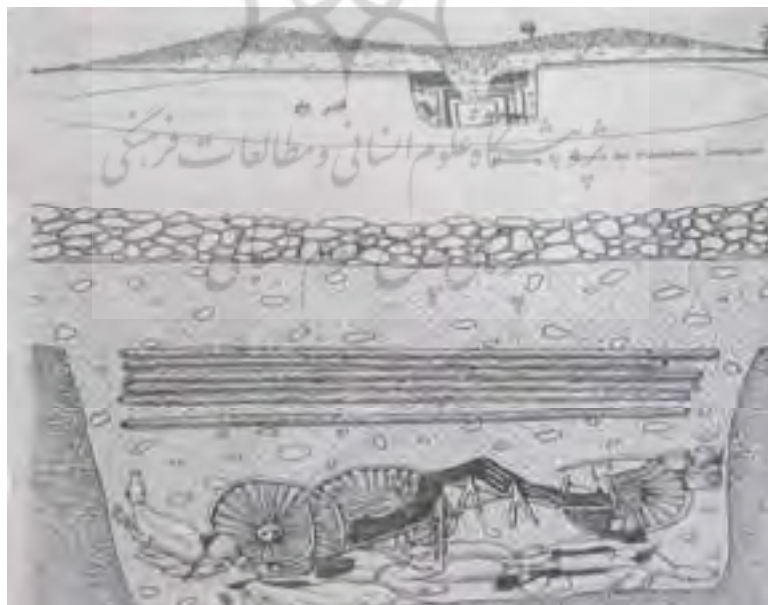
- Prokhorov(ed.)NewYork:MacmillanInc.&London:Collier Macmillan Publishers, p.7.
- 29-Herodotos,Tr, Rawlin son (1949) **History of Herodotus**, Vol.1 , E.H. Blakeney (ed.), London: J.M . Dent & Sons LTD., New York: E.P. Dutton & Co. INC.
- 30-Rostovtzeff, M. & Hon.D. Lilt (1969) **Iranians & Greeks in South Russia**, New York: Russell & Russell.
- 31-Rudenko, S. I (1970) **Frozen Tombs of Siberia: The Pazyryk Burials of Iron Age Horsemen**, London: J.M. Dent & Sons Ltd.
- 32-Zdanovich, G. B., Ivanov, I. V. and Khabdulina, M.K. (1984) **Opyt ispolzovaniya v arkheologii paleopo chvennykh issledovaniya** (kurgany Kara-Oba i Obaly v Severnom Kaz-akhstane).Sovetskaya arkheologi ya, from Koryakova, L., "Some Notes About the Material Culture of Eurasian Nomads", in Kurgans, Ritual Sites, and Settlements: Eurasian Bronze and Iron Age, Jeannine Davis-Kimbel et al(eds.), Oxford: Archeopress.



مجله پیام، (سیت ها) دی سال ۲۵۳۵، سال هشتم، شماره ۸۶  
لحظاتی از زندگی سکاها، مکشوفه از کول - ابا در کریمه



نقش اسب در زندگی سکایی



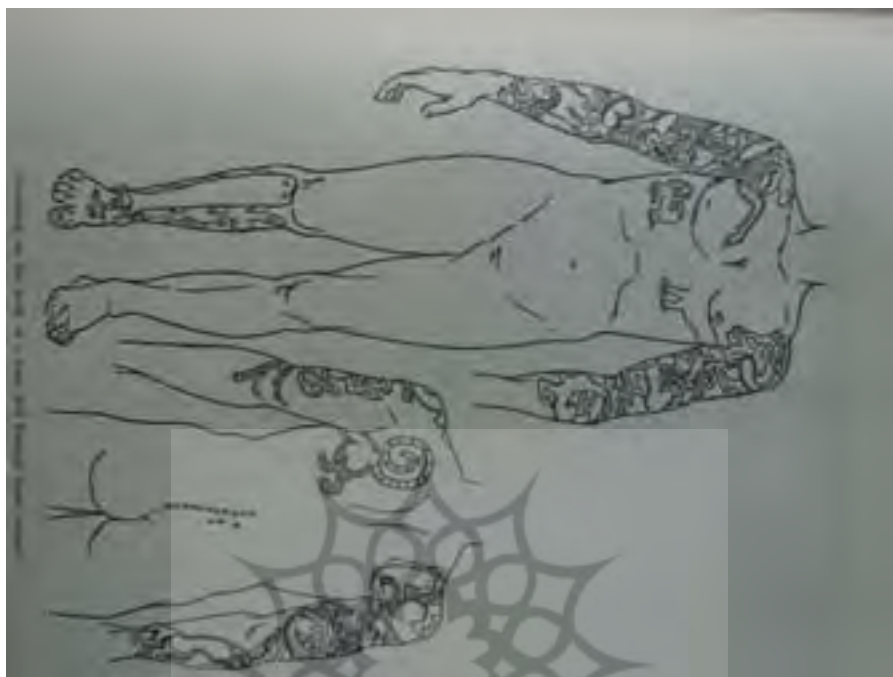
### کورکانهایی پازریک



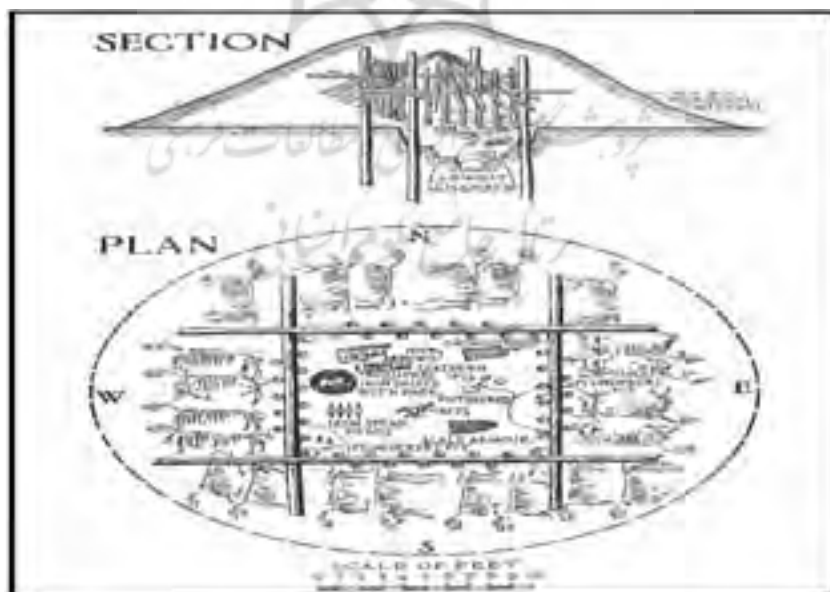
هنر سکایی



خال کویبهای در بدن مومیایی کشف شده از پازریک



کورکانهای مربوط به کاسترو ماسکایا





اشیا مکشوفه از قبور سکایی





[http://www.fantompowa.net/Flame/khazar\\_history.htm](http://www.fantompowa.net/Flame/khazar_history.htm)

شکل ۱ : محدوده جغرافیایی سکایان



<http://www.snpa.nordish.net/chapter-VI5.htm>

شکل ۲- سکایان بیابانگرد





<http://www.crystalinks.com/dynasty27.html>

شکل ۳ - روش از بین بردن اسبان و خدمه های نزدیک شاه سکایی بعد از مرگ او به

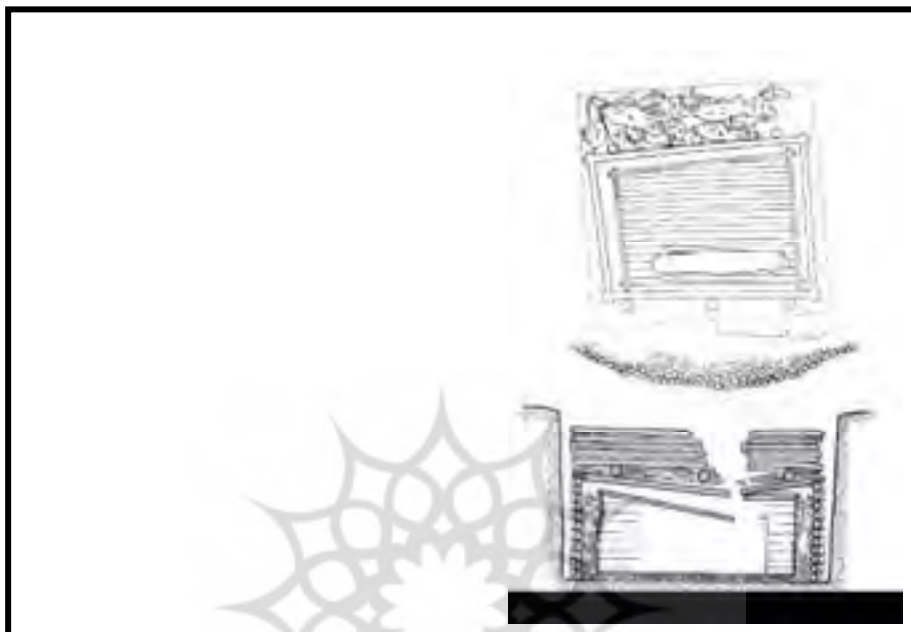
عنوان قربانی



[http://www.shes.reading.ac.uk/SHEsresearch/Archaeology/Historic/Klin\\_Yar/Ipatovo.htm](http://www.shes.reading.ac.uk/SHEsresearch/Archaeology/Historic/Klin_Yar/Ipatovo.htm)

شکل ۴ - نمونه ای از گور تپه های سکای

شکل ۵- کورگانه‌های پازیریک ( Mongait1959 )



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی